سخنرانی مسجد جامع اصفهان - جلسه 12

الحمد لله رب العالمين باري الخلائق اجمعين و صلي الله علي سيد الانبياء و المرسلين حبيب اله العالمين و خاتم النبيين ابو القاسم محمد و علي اهل بيته الاطيبين الانجبين الهدا المهديين سيما مولانا و سيدنا الامام المبين و الكهف الحصين و غياث المضطر المستكين و خاتم الائمه المعصومين. صاحب الهيبه العسكريه و الغيبه الالهيه سيدنا و مولانا و امامنا و هادينا بالحق القائم بامره و لعنه الله علي اعدائهم ابد الابدين و دهر الداهرين

براي اين‌كه مجلس آرامش كامل پيدا كند و توجهات عموم مومنين و مومنات، به جانب منبر و مطالب لازمه جلب شود، چند شعر در ابتداء به ساحت مبارك امام عصر7 تقديم ميدارم و در شعر آخر عرض حال شما را به پيش‌گاه مباركش تقديم ميكنم.

اي چرخ كهن به طلعت تو   از روي تو خور گرفته پرتو

قافيه خيلي دشوار است و شعر هم خيلي با معنا است.

اي چرخ كهن، اي پيرمرد يك هزار و يك صد و سي و هفت ساله، تقريبا عمر مبارک حضرت یک هزار و صد و سی و اندی است، ولي هنگامي‌كه آفتاب جمال نورانيتش طالع شود، به صورت جوان موفق، شاب موفق، يعني جواني كه معتدل الاندام است، يعني جواني كه بين سی و چهل است، نزديك به چهل است، كه ما فرصت نكرديم در اين باب، براي شما بياناتي را كرده باشيم، اين براي شما طلب باشد تا ببينم خدا كي تقدير كرده است.

ميگويد: اي پيرمرد هزار و صد و سي ساله، كه چون طالع شوي، به صورت جوان معتدل، قد شمشادي، گردن راست و مستقيم، پيشاني، بدون چين و خم، موهايت مشكين.

خدا به حق ذات مقدسش، چشم شما را به جمالش روشن كند.

نور آفتاب، يك پرتوي از نور صورت تو است، شعاع آفتاب، يك سايه‌اي از نور جمال تو است.

اي چرخ كهن به طلعت تو   از روي تو خور گرفته پرتو

اي بنده د رگه تو قيصر   وي چاكر محفل تو خسرو

اي پسر عسكري7، كه سلاطين بزرگ دنيا، دربان دربار تو و خدمتگزار آستان تو هستند.

خسرو و قيصر، پادشاه ايران و پادشاه روم، آن‌ها بنده درگاه تو و چاكر دربار تو هستند.

اي بنده د رگه تو قيصر وي چاكر محفل تو خسرو

آقا،

بندي ز كمند تو مجره نعلي ز سمند تو مه نو

اهل ذوق و ادب، شعر خيلي عالي است.

ميگويد: يك كمند به عالم امكان انداختهاي، اين كمند تو، بند بند است. يك بندش، یک حلقه‌اش كهكشان است، مجره يعني كهكشان، ما می‌گوييم كهكشان، عرب مجره می‌گويد.

اين كهكشان كه مجموعه‌اي از منظومه‌های شمسي، اين يك حلقه و يك بندي از كمندي است كه تو بر عالم امكان افكنده‌اي، و تو بر اسبي سوار شده‌اي. آن اسب تو، نعل دارد، ماه شب اول و شب دوم، یک نعلی است از اسبی كه تو بر آن سوار شده‌اي و در ميدان امكان و عالم كيان ميتازي.

بندي ز كمند تو مجره نعلي ز سمند تو مه نو

از حزم تو شد زمين گرانبار و ز عزم تو شد فلك سبك رو

آقا،

چرخ ار نه به كام تو زند دور گامي بزن و به بام او شو

اگر چرخ مطابق ميل تو حركت نميكند، پايت را بردار و لگد بر فرق چرخ بگذار و اين سيارات و اين كهكشان‌ها، اين منظومه‌هاي شمسي را در هم بكوب.

چرخ ار نه به كام تو زند دور گامي بزن و به بام او شو

آن داس هلال وار ماه برگير و اين خوشه نو رسيده بدرو

با خنجر ماه، ثريا را از آسمان ببر و اين منظومه و اين كهكشان را به هم بزن.

خوب، شعرها تمام شد. حالا يك شعر كه زبان حال همه شما است، ميگويم، بعد هم وارد مطلب ميشوم.

یابن العسکری7

از زبان همه شيعه شما به محضرتان عرض ميكنم، اين‌ها ميگويند، من زبان و بلندگوي اين جمعيت هستم، از دهان و ناي من اين جمعيت ميگويند:

جان بر لب و دل به جان رسيده است   اين كارد به استخوان رسيده است

فراقت ما را كشت، هجران تو ما را آتش زنده، بيا بيا.

جان بر لب و دل به جان رسيده است   اين كارد به استخوان رسيده است

خدايا به حق آيات قرآن عظيم، همين ساعت امر فرج او را مقدر بفرما.

به حق خاتم النبيين9، به همين زودي، چشم همه شيعه را به جمال نورانيش روشن بفرما.

حواس‌هايتان جمع باشد، اين چند شعر را از نظر آرامش مجلس خواندم، اين كلماتي كه ميگويم، خيلي سهل و ساده و عاميانه و عادي است ؟؟؟ 13 به عنوان سفارش، به عنوان يك برادر ديني خيرخواه شما، كه به اصفهان، شرفياب حضور شما شده است و ميخواهد شما را توديع كند و برود، به عنوان سفارش و توصيه يك برادر ديني خيرخواه بي‌غرض، اين كلمات را به گوشتان بگيريد، و برطبق آن عمل كنيد. و به خداي عظيم قسم است كه اگر عمل كنيد، خود شما روشن ميشويد، يك چيزهائي ميفهميد كه تا حالا نفهميده‌ايد. خيلي روشن، دست و رو شسته، با كمال بي‌ادبي ميگويم، خيلي چيزها است كه خيالش را هم نميكنيد و به متخيله شما هم خطور نميكند. ولي اگر آن‌چه را كه عرض كردم، عمل كرديد، روشن ميشويد. حالا چي و چطور؟ آن ديگر بسته به اشخاص است و امكانات و فهم و ذوق و سليقه و به درجه عشق و محبت، و اين‌ها مختلف است و حكم كلي نميتوان داد.

؟؟؟ 15:10 او به شما نزديك است، او به شما مهربان است، گوش به آواز شما است. شيطان گولتان نزند، شيطان بين شما و بين امام زمان7 فاصله مياندازد، يك القائات خلافي را در نفس شما ميكند، من ميخواهم آن القائات را هم باطل كنم.

گاهي شيطان در دل شما اين مطلب را القاء مي‌كند، ميگويد: اي واي من كجا، امام زمان7 كجا؟ من رو سياه هستم، من خرابم، من معصيت كار هستم، امام زمان7 تف هم به صورت من نمياندازد. اگر من بگويم: يا صاحب الزمان، عوض لبيك ميگويد، كوفت.

اين‌ها القائات شيطان است. مطلب اين‌طورها نيست. آقايان، بچه‌هاي شما، مخالفت زياد ميكنند. ما خودمان هم بچه بوديم، مخالفت با باباهاي خود داشتهايم، بچه معصيت و مخالفت پدر و مادر را زياد ميكند، شيشه در را ميشكند، استكان را ميشكند، هزار تا فضولي مي‌كند، ولي با تمام اين مقدمات، باز صبح كه ميشود، به بابايش مي‌گويد: پولم بده، مادرش را فحش داده، لگد زده، هزار نوع صدمه به مادرش زده است، باز وقتي به خانه ميآيد، به مادرش ميگويد: خوراك براي من

بياور، مامان چي داري؟ براي من بياور، مامان پيراهن و زير شلواري مرا بياور. با بابايش مخالفت كرده است، بابايش از او رنج ديده است، اما در عين حال ميگويد: بابا، براي من دوچرخه بخر، بابا، كتاب و قلم و كاغذ براي من بخر. رويش به بابايش زياد است و میگويد و بابا، با اينكه از اين بچه بدش ميآيد، باز هم توجه ميكند، برايش دوچرخه ميخرد، برايش كفش ميخرد، كاغذ و قلم ميخرد، كتاب و كيف ميخرد و پول ته جيبي به او ميدهد. اين درست است!

اغلب شما بابا هستيد و بچه داريد و شما در زمانيكه بچه بوديد، بابا داشتيد.

به خدائي كه ميپرستيد، امام زمان7 از بابا به شما مهربانتر است، به خدائي كه ميپرستيد، بايد روي شما به امام زمان7 بازتر باشد، از روی شما به پدر و مادرتان. نميگويم معصيت كنيد، نخير، نميگويم مرتكب محرمات بشويد، نميگويم ترك واجبات و مستحبات بكنيد. در ارتكاب حرام، در ترك واجب، امام زمان7 رنجيده ميشود، امام زمان7 مهموم و ؟؟؟ 19 ميشود. اما با همه اين مقدمات، باز شما يتيمهائي هستيد كه به منزله فرزند براي او هستيد، فرزند معنوي او هستيد.

بگوئيد: بده، همانطوري كه به بابايت ميگوئي بده، به حضرت بگو. درست توجه كنيد. من نميگويم دعاها را نخوانيد، نميگويم زيارتها را نخوانيد. دعاها و زياراتي كه «علامه مجلسي» قدس الله سره القدوسي،

كه خدا را قسم ميدهم به حرمت پيغمبر9 و به حرمت دوازده امام و چهارده معصوم: ، از همين مجلس ما، امشب، كه شب ختمش است، طبقات انوار غيرمتناهي را به روح مطهر خودش و پدرش عطا كند.

و شما را موفق به استفاده روحاني از زيارت مرقد اين بزرگوار بفرمايد.

در كتاب «تحفه الزائر» و «زاد المعاد» و «مزار» بحار او نوشته است، اين زيارتها را بخوانيد، دعاها را بخوانيد. اما خوب گوش بدهيد من چه ميگويم؟ اين را حلقه گوش خودت كن.

علماء، آيات، حجج، آقايان مدرسين، آقايان طلاب و محصلين، سلسله جليله وعاظ و خطباء، آقايان منبريها،

كه خدا به حق امام زمان7 همه طبقات شما را، عزيزتر و محترمتر از آنچه هستيد بفرمايد.

و سايه شما را بر سر اين ملت مستدام بدارد.

به شما با کمال جرات و جسارت و بی‌ادبي ميگويم، و به ساير طبقات، رجال اداري، کشوري، لشکري، رجال بازاري، تجار، کسبه، مخدرات محترمات،

که خدا به حق حضرت زهراء3 ناموس شما و عز شما و دنياي شما را در زير سايه ولي امر مامون و مصون بدارد.

به همه شما ميگويم، مخصوصا بچهها به شما ميگويم، بچههاي ده، دوازده ساله، به شما دارم ميگويم، به همه طبقات دارم می‌گويم، آقا همان‌طوري که با بابای خودت رفتار ميکني، با امام زمان7 رفتار کن. کجائی؟ همان‌طوري خودماني از بابايت ميخواهي و حرف مي‌زني، با امام زمان7 حرف بزن و بخواه.

فهميديد؟ هيچ آدابي مجو، امام زمان7 را از خودت دور نبين، بابايت در شبانه روز، سه، چهار ساعت ميبيني، صبح و شب ميبيني، آقازاده محصل، پدر و مادرت را دو ساعت در شبانه روز ميبيني، با کمال پر روئي، با دل پراميد، به بابايت ميگوئي: آقاجان، فلان چيز را برايم بخر، آقاجان، فلان چيز را می‌خواهم، درست است؟ هر بيست و چهار ساعت همين‌طور با خود امام زمان7 حرف بزن. به خود امام زمان7، اگر راه دوستي و محبت اين‌طوري را که من می‌گويم، راه انداختي، خيلي زود به مقاصد ميرسي.

امام زمان7 دور نيست، امام زمان7 کر نيست، امام زمان7 به شما بي مهر نيست. اين حرفي که من ميگويم روي بخار معده نميگويم، پشت اين حرف به کوه بند است. امام زمان7 به شما عنايت و لطف دارد.

به «شيخ مفيد» ميگويند: «ايها الاخ الرشيد و الولي السديد الشيخ المفيد» [1] ، اي برادر ؟؟؟ 24:25 من، اي دوست محکم من، اي شيخ مفيد، «َ إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمُ اللَّأْوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاء» [2] ، اي شيخ مفيد، ما اهمال نميکنيم ياد شما را، يعني، غالبا در ياد شما هستيم، ما شما را فراموش نميکنيم، ما رعايت و مراقبت شما را داريم، « إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ » [3] اهمال در مراقبت و مراعات شما نميکنيم، دائما مراقب شما هستيم. مثل بابائي که دائما مراقب بچه‌هايش است، امام زمان7 مراقب شما شيعيان است، امام زمان7 شما شيعيان را فراموش نميکند، به صريح توقيع منيعي که از ساحت مبارکش به «شيخ مفيد» شرف نزول و عز صدور پيدا کرده است.

از من بشنويد، دليل طلبگي از من نخواهيد، برويد تو وادي عمل تا ببينيد.

گواه عاشق صادق در آستين باشد.

اين حلواي تن تناني است، تا نخوري نداني است.

تا وارد وادي عمل نشوي، اين مطلب را نميفهمي. آقا همان‌طور كه به بابايت بنگري، بدي، بله، بد هستم، بابايم پس گردن من زده است، بابايم اخم هم به بنده كرده است، وقتي به او حرف ميزنم، رويش را ترش ميكند، اما در عين حال بابايم است. به بابايم نگويم، به كي بگويم؟ بابايم بايد براي من كت و شلوار و دوچرخه و ماشين و كتاب و دفتر و اين حرف‌ها را بخرد، بابايم براي اين كار معين شده است، اين است كه رويم به بابايم باز است، به او نگويم، به چه كسي بگويم؟ والله امام زمان7 از او بالاتر است، بالله اگر با همين نظر برويد:

بابايم، يابن العسكري7، بد هستم، معصيت كار هستم، تو از من پرهيز هم ميكني، بس كه بدم با من ملاقات نميكني، به من چخ هم ميگوئي، سنگ هم ميزني، اما با تمام اين مقدمات، سگ تو هستم، يا الله بده، استخوان بده.

ميفهميد چه مي‌گويم؟ سگ تو هستم، سگ تو، بايد تو خودت استخوان به او بدهي، جلوي او يك لقمه نان بياندازي، يا الله بده. امام زمان7 شاه شما است، امام زمان7 ارباب شما است، امام زمان7 پدر شما است، امام زمان7 معلم شما است، امام زمان7 هر سمتي را كه هر بزرگي به شما دارد، امام زمان7 هم آن سمت را به شما و با شما دارد.

خدا او را مرجع و ملجا و پناه ما قرار داده است «و الكهف الحصين» خدا اين كارهاش كرده است. يك قدري به او حرف بزن، توي كوچه و بازار كه راه ميروي، با او رسما حرف بزن:

آقا، مولا، گره در كار من است، يا الله اين گره را باز كن، اي پدر روحاني، اي معلم روحاني، اي پادشاه معنوي، اي آقا، نوكر به آقايش مراجعه ميكند، رعيت به پادشاهش مراجعه ميكند، شاگرد به استادش مراجعه ميكند، فرزند به بابايش مراجعه ميكند. هر سمتي را كه تو خيال كني، آن حضرت دارد، به او مراجعه كن و حرف بزن.

به چه دليل بين خودتان و امام زمانتان7 فاصله قائل شده‌ايد؟ يك هفته، يك ماه، همين‌طور خودت را لوس كن، نونوركن، با او پيوند بگير، آن وقت ببين چه بر سرت ميآورد؟ ؟؟؟ 30:10 پيوندش را با حضرت محكم مي‌كند، دل مبارك حضرت را به تو متوجه ميكند.

حالا، يك دسته اعمال را هم كه خود اين اعمال در دل شما ايجاد محبت به امام زمانتان7 ميكند و اين اعمال توجهات خاصه امام زمانتان7 را به شما بيشتر ميكند، اين دسته از اعمال را هم بجا بياور، آن‌ها چيست؟

يكي دعا، آقا، نوكر در حق اربابش دعا ميكند، كلفت و نوكر، در حق اربابشان دعا ميكنند كه خداوند او را به سلامت داشته باشد و زنده نگه دارد تا سر سفره ارباب بچرند. وظيفه كلفت و نوكر است كه در حق اربابش دعا كند، بچه‌ها در حق بابا و مادرشان دعا ميكنند كه خدا آن‌ها را سالم نگه بدارد، تا در سلامتي آن‌ها، اين‌ها سور چراني كنند و زندگي كنند و خوش بگذرانند. درست است؟

حضرت ارباب شما است و آقاي شما است و پدر شما است، شاگرد، وظيفه دارد در حق استادش دعا كند. در «آداب المتعلمين» نوشته شده است، شاگردها بايد در حق معلمين خود دعا كنند. امام زمان7 معلم واقعي است، بايستي در حق او دعا كنيد، دعا كنيد، دعا با همين زبان عاميانه و با همان زبان پدر و مادري خودت بكن، اگر تركي، به تركي، اگر فارسي، به فارسي، اگر عربي، به عربي، اگر هندي هستي، به زبان هندي، به هر زبان پدر و مادريت، همان‌طوري كه براي پدر و مادرت دعا ميكني، همان‌طوري كه براي برادر و بچه‌هايت دعا ميكني،

هيچ ترتيب و آدابي مجوي.

آداب لازم ندارد، با همان زبان عاميانه‌ات بگو:

خدايا عمر امام زمان7 را زياد كن.

خدا وجود مباركش را سالم نگهدار.

خدا غم‌ها را از دلش دور كن.

خدايا اولاد و بستگان و منسوبين او را حفظ كن.

اين دعاها كه به شما گفتم، ساده و عاميانه، به زبان پدر و مادري، همان لهجه پدر و مادري، همان‌طوري كه براي بچه و پدر و مادرت دعا ميكني، همان‌طور هم براي امام زمان7 دعا كن. حالا اين‌جا حرف علمي خيلي هست، نميخواهم وارد مباحث علمي بشوم، ميخواهم ساده بگويم و بروم. از من، منطق فعلا براي اين كار نخواهيد، آن‌چه كه ميگويم، آويز گوش كنيد و عمل كنيد، عمل كنيد.

دعا كنيد: «اللهم كن لوليك الحجه ابن الحسن» [4] ، امام صادق7 چندين سال قبل از ولادت امام زمان7 ما براي امام زمان7 ما دعا ميكرده است، در كتاب‌هاي دعاها نگاه كنيد: شب بيست و سوم ماه مبارك اين دعا از ناحيه امام صادق7 ذكر شده است و شما اين دعا را دائما بخوانيد. در قنوت نمازتان آزاد هستيد، هر دعاي ديگري كه ميخواهيد بكنيد، عربي يا فارسي باشد.

آقايان اهل علم، «المصلي مناج ربه» [5] نماز موقع خلوتي است كه بين بنده و خدا حاصل شده است، موقعي است كه دربار الهي، بار داده به بنده و گفته بيا بنده جان، در اين موقع خلوت است، هرچه بگوئي گوش ميدهم، لذا است كه «قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ » [6] شده است، لذا است كه خير موضوع 35:30 شده است، لذا است كه «معراج المومن» [7] شده است لذا است كه «مصلي مناج ربه» شده است.

در آنجا خدا خوب گوش ميدهد، همه وقت خدا سميع الدعاء است، ولي در نماز بيشتر است. در نماز، در دعاي دستتان، اين دعاي بر سلامتي امام زمان7 را كه ماثور از امام صادق7 است، بخوانيد، گناهش به گردن بنده، ثوابش مال شما، ضررش مال بنده، ربحش و سودش مال شما.

اللهم کن لولیک ال ... طويلا

يك خط است، ؟؟؟ 36:30 در قنوت نمازتان اين دعا را بخوانيد، علماء، محصلين، طلاب علوم دينيه، بخوانيد، تجار، ابرار، كسبه بازار، مخدرات محترمات، در دعاي قنوت نمازتان دعا براي سلامتي ولي امرتان بكنيد.

به حق خدا قسم، اين اعمال جلب توجه امام زمان7 را بيشتر از آن مقدار عمومي كه دارد، ميكند. فهميديد چه گفتم! با زبان پدر و مادري، همان‌طوري كه اينجا پای منبر نشسته‌ايد، خوشتان آمده است، ميخواهيد دعا كنيد در حق بيمارت، در حق پدرت، در حق مادرت، برادرت، در حق پسرت، الان، همان‌طور در حق امام زمان7 دعا كن:

خدايا عمرش بده.

خدايا سايهاش را نگهدار.

خدايا دلش را خوش كن.

خدايا بلا را از او دور كن.

خدايا غم را از او دور كن.

همان که براي بچه و پدرت ميكني، با زبان عاميانه بكن. شب و روز و کوچه و بازار و مسجد و معبد تفاوتي نميكند. اين يکی شد.

دو: صدقه براي او بده.

آقا، مگر او محتاج به صدقه ما است؟ مگر او محتاج به دعاي ما است؟ ما که هستيم که صدقه و دعای ما اثر داشته باشد؟ اینها را کنار بگذار، همهاش درست است، او محتاج به ما نیست، وظيفه ما اين است. صدقه و دعاي ما ممكن است موثر هم بشود، خداي متعال به بهانه دعاي ما، غمي را از او برطرف كند، به بهانه صدقه ما، يك بلائي را از او و بستگانش برطرف كند، هيچ مانع علمي و عقلي ندارد. صدقه بدهيد، همه وقت هم صدقه بده، صدقه منحصر به آخر هفته نباشد.

عمل كنيد به آنچه كه ميگويم، والله خير میبينيد مردم، هر صبح از خانه كه بيرون ميآيي، به مقدار مقدورتان، يك قران است، دو قران است، كمتر است، بيشتر است، هر صبح، اول كار صدقه براي سلامتي امام زمان7 بدهيد. هر شب كه بر ميگرديد صدقه براي سلامتي امام زمان7 بدهيد، ولو يك ريال، ولو ده شاهي.

به نيابت او زيارت برويد. فرض كنيد او فرموده است: برو سر قبر عمهام، حضرت معصومه3 زيارتي بكن. اينطور فرض كنيد كه خودت از حضرت پول گرفتهاي و به نيابت از حضرت براي زيارت ميروي. و اين يك آثار عجيبي دارد و حالا فرصت نيست شرح و بسطش بدهم، اصلا تو را تغيير ميدهد، ماهيت تو را، همان آن عوض ميكند، خودت خواهي فهميد، كسيكه نايب امام زمان7 شده، ديگر در سفر نيابتي امام زمان7 به زن مردم نگاه نميكند، كسيكه نايب امام زمان7 است، دروغ نميگويد، كسيكه نايب امام زمان7 است گوش به آوازهاي لهو و لعب نميدهد، كسيكه نايب امام زمان7 است، چيز حرام نميخورد، اینها در قلب تو القاء ميشود، القاء ميشود. خود اینها تو را تهذيب و تربيت ميكند.

اين يك اثر است كه گفتم، آثار ديگري هم دارد، حالا مقتضي نيست، وقت كم است.

به نيابت امام زمان7 شبهاي جمعه «تخت فولاد» برويد، زيارت قبور مومنين و اولياء الله كنيد.

اين «تخت فولاد» يك جاي عجيبي است، آن قدر روحانيت دارد كه خدا ميداند. بعد از «وادي السلام نجف» معلوم نيست جايی پر روحانيتتر از «تخت فولاد» باشد. شب به شب جمعه، به نيابت امام زمان7 به زيارت مومنين «تخت فولاد» برويد،

سر قبر این بزرگوار، آخ آخ، یادم آمد، امام زمان7 او را دوست میدارد. به حرف‌هاي بچه‌گانه و مزخرف و مهمل، چهار تا بچه لب و دهان ناشور، گوش ندهید، او، خودش و پدرش مورد نظر امام زمان7 است.

البته ادعاي قطعي نميكنم، ولي بعيد نميدانم كه حضرت بقيه الله7 تشريف آورده باشند اینجا سر قبر این پدر و پسر، فاتحه نخوانده باشند. هیچ بعید نمی‌دانم. این مقامیکه مدعي هم هستند، مقام حجت، مقام حجت، بعید نیست که حضرت تشریف آورده باشند.

به نیایت امام زمان7 برو سر قبر این بزرگ نوکر آل محمد: و یازده تا قل هو الله، هفت تا انا انزلنا به نیابت امام زمان7 بخوانید.

يك پرده بالاتر، اگر مکه واجبی خودت را رفته‌اي و حجه الاسلام خودت را رفته‌اي، به نیابت امام زمان7 يك سفر مکه برو، این آخري، آثاري دارد، این نیابت حج يك بركاتي دارد، تا نروي نميفهمي.

كليه اعمال خيريه و مستحبه اي كه داريد، به نيابت حضرت انجام دهيد، به عيادت مريض ميروي، به نيابت حضرت برو، به صله رحم ميروي، به نيابت حضرت باشد، زيارت اهل قبور ميروي، به نيابت حضرت برو، كليه مستحبات خودتان را به نيابت امام زمان7 كنيد. افسوس وقت تنگ است، نميتوانم شرح دهم.

شرح این هجران و این سوز جگر　　　این زمان بگذار تا وقت دگر

نذر ميكني، براي حضرت بكن، در راه‌های خیرپول ميدهي، به نيابت حضرت بده.

در این شهر، من بدون تعارف و مجامله مي گويم، حاجتي به شما ندارم، تملق هم نمی‌گویم، آنچه كه فهميده‌ام ميگويم. چند چيز، من در اين ده الی دوازده روز فهميدم، كه مرا خوشحال كرده و با نشاط و شادي ميروم و دعا براي عموم شما ميكنم و اميدوارم متقابلا مشمول دعاهاي شما هم باشم.

اولا در سلسله روحانیت این‌جا، من يك الفت و مهرباني و يك رنگي ديده‌ام، كه البته در بعضي از شهرهاي ديگر كمتر ديده‌ام، ؟؟؟ 45:0. در سلسله روحانيت اين شهر، جميع طبقاتشان، يك حال الفت و یک رنگی و دوستي و صفا ديده‌ام كه در بعضي از شهرها نيست، اين خيلي قيمت دارد. در سلسله جليله خطباء و وعاظ و منبري‌ها، يك حال مهرباني و هماهنگي ديده‌ام كه در بعضي از جاها نيست. در سلسله طلاب و محصلين علوم دينيه، يك جديت و جنبش و صلاح و صفائي ديده‌ام، كه خیلی قابل ستايش است. این‌ها چيزهائي است كه در اين دوازده روز مشاهده كرده‌ام.

علاوه، موسسات خيريه متنوع، در اين شهر ديدهام كه در كمتر شهري است. البته اصفهان بايد هم اينطوري باشد. اصفهان شهري است كه صد و هشتاد سال تا دويست سال تحت تربيت علماء بزرگ بوده است، مركز فرماندهي ايران بوده است، هم از جنبه مادي و سياسي و هم از جنبه روحاني.

اصفهان كساني مثل «مجلسيين» را به ما داده است. اصفهان مثل «شيخ بهائي» را به ما داده است، اصفهان مثل «ميرداماد» و «ميرفندرسك» به ما داده است، اصفهان مانند «فيض» را به ما داده است، اصفهان مانند «صدرالمتالهين» را به ما داده است.

غرض، جاي عجيبي است و بايد هم همينطور باشد، خيرات و مبرات متنوعهاي كه در اصفهان ديدهام، مرا شاد كرده است: سازمان احمديه، به به، چه سازمان و موسسه مفيد مذهبي، با چه نظم و اصول صحيحی است.

خدايا به حق پيغمبر9 به آن مبادي و مبانی اوليه و نگهبانان فعلي آن، طول عمر، توفيق كامل و تائيد شامل عطا بفرما.

خدايا به حق محمد و آل محمد: هركس اين سازمان را بنا كرده و هركس نگه ميدارد و هركس كمك مالي و معنوی و قدمي و قلمي و زباني و پولي ميكند، به حق صاحب الزمان7 طول عمر، عزت كامل، سعادت شامل به آنها عطا بفرما.

موسسات خيريهاي ديگری را ديدهام، يكی از ديگری بهتر. اين موسسه كر و لالها واقعا من را زنده كرد، وقتي رفتم، تماشا كردم، اين موسسه ابابصير، وقتيكه رفتم و بيرون آمدم، يك عده از بچههاي كور را آورده بودند و سرود ميخواندند، حظ بردم،

خدايا به عز محمد و آل محمد: قلب و دل موسسين اين دو موسسه را و هركس كمك كرده، از كوري و كري و لالي ظاهري و معنوي حفظ بفرما.

هركس در اين راه قدمي برداشته و بر ميدارد و يا يك ريال داده و ميدهد، مطابق شان خودت در دنيا و آخرت به او اجر جزيل و ثواب جميل عطا بفرما.

هريك از اين موسسات قيمت ندارد، قيمتش اندازه ندارد، (وَ مَنْ أَحْياها فَكَأَنَّما أَحْيَا النَّاسَ جَميعا) [8] ، من در اين موسسه كر و لالها كه رفتم، بعد در آن دفتر يادداشت، اين كلمه را نوشتم: اين سازمان انسان درست كن است، در قرآن خدا ميفرمايد: (خَلَقَ الْإِنْسانَ عَلَّمَهُ الْبَيان) [9] ، مميز انسان و حيوان بيان است. اين كر و لالها تا بيان ندارند، مثل حيوانات گنگ هستند، اينجا، آنها را

داراي بيان ميكنند، حرف ميزدند با من، گفتم: مميزات انسانيه را در بچه‌هائي كه حيوان هستند، نمو ميدهيد و انسانشان ميكنيد. آن موسسه محترمه ابوبصير، حظ كردم، كورها را مثل چشم دارها، هم خوانا ميكنند، هم دانا ميكنند، هم اهل صنعت و هنر ميكنند.

خدا به عز محمد و آل محمد: هركس به قدر يك سر سوزن، در اين موسسات دخالت كرده و كمك كرده است، خودش و اولادش و اعقابش از هر بلائي حفظ بفرما.

به هر نعمتي متنعم بفرما.

خدا سايه اين علماء و روحانيين و اين خطباء و گويندگاني كه موسس اوليه اين سازمان‌ها بوده و هستند، سايه اين‌ها را بر سر همه ما مستدام بدارد.

در طي همين مدت، موسسات ديگر را ديدم، حسينيه‌ها را ديدم، مسجدها را ديدم، سازمان‌هاي ديگر را ديدم. اگر بخواهم شرح دهم، مثنوی هفتاد تن كاغذ شود.

ديروز يك موسسه ديگر را هم ديدم، جلب نظرم را كرد، يك موسسه‌اي كه از اسمش پي به مسمي ميبريد، يك موسسه‌اي كه اسمش و شرح النفس آن پيوستگي به امام زمان7 شما دارد، موسسه درمانگاه عسكريه7 كه در آخر خيابان احمدآباد و زايشگاه نرجسيه3، عسكريه7 گفتند، عجيب است. اول كه قدم برداشتم، آن مومن خيری عاقبت به خير كه زمين را داده است،

كه خدا به حق پيغمبر9 در بهشت عنبر سرشت، پهلوي قصر خاتمالنبيين9 يك قصر غيرمتناهي از جلال و جمال به او عطا كند.

زمين وقتي‌كه بنا شده است اين ساختمان در آن بشود، چه اسمش را بگذاريم، چه اسمش را نگذاريم، آن‌جا القاء شده به نفسش نام حضرت عسكری7 پدر امام زمان7 ناميده شود، درمانگاه عسكريه7 شده است. به به! شرح و لفظش ميگويد ماهيت آن چيست؟ بعد آمدهاند به زايشگاه، واجب است در اصفهان كه زايشگاهي باشد كه مطابق جهات شرعي، زنان مسلمان در آن‌جا به راحتي وضع حمل كنند، چكار كنيم؟ چكار كنيم؟ به نام مادر امام زمان ارواحنا فداه، زايشگاه نرجس3 ناميدهاند.

دو تا نامي كه اسم بابا امام زمان7 و اسم مادر امام زمان7 در آن سازمان است، يقين بدانيد از اسم پدر و مادر، اسم پسر، حضرت مهدی7 متولد ميشود، يقين بدانيد امام زمان7 به آن‌جا توجه دارد.

در آنجا رفتم، حظ كردم، يك مشت زن‌ها و بچه‌ها و مردهاي فقير، بي‌بضاعت، همين‌طور در رفت و آمد بودند، مثل سواره‌اي كه ميروند و ميآيند، يك عده ميرفتند، يك عده ميآمدند، يك نفر بچهاش را بغل گرفته است، يكي دست دخترش را گرفته، دارند ميروند، يكي بچه توي بغلش گرفته، يكي دست بچهاش را توي دستش گرفته، دارد ميرود. يكي دارد ميآيد، آنكس كه دارد ميرود، خدا خدا ميكند، آنكس كه بر مي‌گردد، دارد دعا ميكند. آي حظ كردم، آي كيف كردم، آي بهره و لذت بردم.

اين‌جا يك كلمه بگويم:

اگر خداي نكرده، الان كه رفتي خانه، به يك درد دل و درد استخواني مبتلا شوي، چه حالتي داری؟ دنيا در نظر تو تاريك ميشود. بچه تو مبتلاء بشود، بچه شيرين تو شروع كند داد و فرياد كردن، دنيا براي تو تاريك ميشود. حالا آنجا اگر كسي بيايد، يك دوائي و يا دعايی بدهد، تو را خلاص كند، چقدر خوشحال می‌شوی؟ بچه‌ات را خلاص كند و به حال بياورد، چقدر منبسط ميشوي؟ خودت را به جاي آن مريض‌هايی بگير كه ميروند و ميآيند.

چه كارمندان بسيار خوبي، دكترهاي با ايمان، تحت نظر آقاي دكتر نوري، دكترهای ديگر، 57:20 ؟؟؟ لله ، وقت پر قيمت خود را صرف ميكنند و آنجا ميآيند، آن وقت فقراء را معالجه ميكنند. يك محلي هم پر از دارو، يك انبار دارو. آن وقت آن فقير ميآيد، آن دكتر عاقبت بخير.

خدايا به حق پيغمبر9 هركس در اين راه‌هاي خير قدم برمي‌دارد، مخصوص آن دكترها را، از بيماري معنوي و ظاهري حفظ بفرما.

چطور دوستانه و مخلصانه معالجه ميكند، نسخه مينويسد، نسخه را مي برد پيش دارو فروش، دواي مجاني ميگيرد.

ميدانيد اين چقدر اجر دارد؟ ميدانيد در نظر خدا اين چقدر قيمت دارد؟ خدا ميداند و اجر و ثواب آن عملي كه شده است، به هريك مريضي كه شفاء پيدا كند، خدا اجر حيات همه بشر را به دكترش و به كارمندش و به داروفروش و به موسس اوليه از عالم و غير عالمش، به آن كه زمين داده، به همه، به آنكه يك آجر داده است، خدا اجر و پاداش حيات بشر را مي دهد، خيلي حظ كردم.

؟؟؟ 59:10 آن اسكلت اوليه‌اي كه ريختهاند، تقريبا ميتوانيم بگويم سه برابر و چهار برابر فعاليت كنوني را گنجايش دارد، از آقايان دكترها پرسيدم، اغلب بيماران كه به شما مراجعه ميكنند چند نفر هستند؟ فرمودند: روز داريم تا صد و هشتاد نفر، روز هم داريم صد و ده نفر، يا بيست نفر، معدلش

روزي صد و چهل و يا صد و پنجاه بيمار آنجا ميروند و معالجه مجاني ميشوند، بعد از يك روز يا دو روز خوب ميشوند. اين چقدر ثواب دارد؟ خدا ميداند.

بنده بنا نداشتم در اين مباحث صحبت كنم، ولي اينجا كه وارد شدم، ديدم اسم، اسم باباي امام زمان7 است، اسم، اسم مادر امام زمان7 است، سايه روحانيت حضرت نرجس خاتون3 مادر امام زمان7 اينجا افتاده است. اسم، اسم حضرت عسكري7 پدر امام زمان7، سايه پدر امام زمان7 افتاده، گفتم مسلما مورد نظر مولايم امام زمان7 است و بر من واجب و فرض است كه به عموم برادران ديني خبر بدهم.

آقايان، برادران، اخيار، ابرار، در اين شهر خيلي هستيد و خيلي هم كارهاي خير ميكنيد،

خدا به همه شما اجر جزيل، پاداش جليل، در دنيا و آخرت، مطابق شان خودش مرحمت بفرمايد.

اين موسسه مورد نظر امام زمان7 است، ميخواهيد صدقه براي امام زمان7 بدهيد، ميخواهيد نذر براي امام زمان7 كنيد، ميخواهيد پول در راه امام زمان7 خرج كنيد، اين راه، برويد، از يك آجر تا هزار تا آجر، از يك كيسه سيمان تا هزار كيسه سيمان، از يك كيلو آهن تا صد تن آهن و ساير لوازم و مخارجي كه دارد. اگر يك آجر به اينجا كمك كنيد، تا اين ساختمان برپا است و اين كارها در آن بشود، در اجر و ثوابهاي غيرمتناهي شريك خواهيد بود.

برويد يك نگاهي آنجا بكنيد، هر نفر نفر از شما ابرار و اخيار و علماء، بروند نگاه كنند، بروند و بر گردند، زمان عصر البته بروند، ببيند چه وضعي است؟ خودتان به شوق ميافتيد.

اگر بخواهيد در راه امام زمان7 پولي را خرج كنيد، غير از سهم امام كه واجب است، اينكار خير است، به نيابت امام زمان7. فرض كن حضرت صد تومان به تو دادهاند، گفتهاند: اين را ببر بده، به اين محلي كه به نام بابا و نام مادرم است. صد تومان به نيابت حضرت ببر بده، هزار تومان ببر بده، صد ريال ببر بده، پنج ريال ببر بده، برو آنجا با زبانت كمك كن، به قلم و قدمت كمك كن، به نيابت امام زمان7 و در تمام اعمال خيريه خود، خودتان را از امام زمانتان7 نايب كنيد.

ديگر بس است، هم شما خسته شديد و هم من خسته شدم، بر شما دعا است. از امام زمان7 فراموش نكنيد، از تعظيم و تجليل آن حضرت، از تحبيب آن بزرگوار، وارد كردن محبت او در قلوب شيعيانش، از دعا كردن براي سلامتيش، از صدقه دادن براي حفظ سلامتيش، از كارهاي خير به نيابت او، آقايان فراموش نكنيد. يك قطره از اينجا ميآيد، يك قطره از آن طرف ميآيد، يك مرتبه ميبينيد، ده تا، بيست تا، قطره جمع شد، يک لوله آفتابه آب شد، ده لوله آفتابه آب، يك نهر كوچك

میشود، ده تا نهر، يك رودخانه میشود، ده تا رودخانه يك درياچه میشود. رمزها در اين كلمات من خفته و نهفته است، ديگر وقت نيست، چند تا دعا ميكنم، آمين بگوييد.

امشب ميخواهم همه شما را، مخصوصا سادات را، سيما علمای سادات را، ميخواهم ببرم در خانه فاطمه زهراء3، مادرتان، از زبان شما، از امام زمان7 هم دعوت ميكنم، اين بزرگوار هم تشريف بياورد، برويم خانه مادرش، فاطمه3، سادات ذوي العز و الاحترام، خودتان را مهيا كنيد. مادرتان بيمار است، مادرتان در آزار وناراحت است.

يا بقيه الله3.

ما ميخواهيم به عيادت مادرتان برويم، شما هم تشريف بياوريد.

خدايا به حق فاطمه زهراء3 هركس در اين كارهاي خيري و موسسات خيريه دخالتي كرده، كمكی كرده است، به او اجر جزيل، پاداش جميل، در دنيا و آخرت مرحمت بفرما.

آن‌هائي هم كه از اين بزرگوار تعظيم و تجليل كردهاند، قبرش را آبادكرده‌اند، اطراف قبرش را معمور كردهاند، به زيارتش ميروند، نذورات و صدقان می‌دهند، به حق صاحب الزمان7 به آن‌ها هم اجر جزيل عطا بفرما.

آقايان علماء، سادات، آيات الهی، جلو بيفتيد. سيدها دنبال سر علمای سيد بيافتيد، همه دنبال سر آن‌ها برويد، مخدرات، ميان شما زنان علويه هم هستند، آن‌ها جلو بيفتند، دنبال سر آن‌ها برويد، خانه مادرتان فاطمه3.

بي بي افتاده، در بستر بيماري،

آی امان، آی امان،

گاهي از اين پهلو به آن پهلو ميغلطد،

من می‌گويم، سيدها بلند بناليد، امشب اصرار دارم، ناله سادات بايد بلند بشود.

همچنان‌كه از اين پهلو به آن پهلو ميغلطد، دستش را به پهلو ميگيرد.

ای وای، همه شما به گريه آمديد، خوشا به احوال شما،

در حضور امام زمانتان7 گريه كنيد، آن هم كنار بدن مادرش فاطمه3،

ميدانيد چرا پهلو درد ميكند؟

می‌گویم، غیر سادات هم بلند بنالند،

از آن ضربت در نیم سوخته،

یا الله،

اجر همه شما با فاطمه زهراء3،

میرویم کنار بستر. سیدها جلو بروید، دخترهای فاطمه3 جلو می‌روند،

میخواهند صورت مادر را ببوسند. این‌جا است ؟؟؟ 1:09:20 می‌بینند صورت مادر کبود است.

یا الله،

يك كلمه دیگر بگویم، دادتان بلند شود زن‌ها، درست نگاه کنید،

همچنان که نگاه میکنید، میبینید گوشواره به گوش مادر نرم شده است.

ای امان،

اقلا پنجاه نفر، به من مراجعه کردند و در حاجات مختلفه، بیمار روحی و روانی، گرفتاری‌های، مشکلات زیادی به من گفته‌اند،

؟؟؟ 1:1:50

بازوی مادر ورم کرده است،

ای وای،

این صیغه استغفار را همه بخوانید،

«استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم الرحمن الرحیم ذو الجلال و الاکرام و اتوب الیه»

خدا ده، دوازده شب است که گداها تو خانه می‌آیند، به ذات احدیت خودت، به عزت فاطمه زهرا3، به حرمت بی بی، امشب دست‌های ما را تهی و خالی از درگاهت برنگردان.

(بِسْمِ الله الرَّحْمنِ الرَّحیم)

یک آهنگ بخوانید و با صدای بلند، که دل‌های شما را تکان بدهد،

(أَمَّنْ یُجیبُ الْمُضْطَرَّ إِذا دَعاهُ وَ یَكْشِفُ السُّوء) [10]

باسمك العظيم الاعظم الاعز الاجل الاكرم

بموالينا المعصومين و بساداتنا الاطهرين: و بمولانا و سيدنا الحجه المنتظر و امامنا الثاني عشر7،

اين كلمه‌اي كه مي‌گويم بي‌خود نيست، عمل كنيد، چهل نوبت، بلند،

يا الله

خدايا به آيات قرآن مبين و به سر سينه اميرالمومنين7 كه يك پرده از اسم اعظم در نقطه ملكوت است و به ارواح ائمه طاهرين: و به عصمت حضرت صديقه3 همين ساعت امر ظهور امام زمان7 را اصلاح بفرما.

به زودی چشم‌های رنج دیده ما را به جمال نورانی آن بزرگوار روشن بفرما.

دل‌های افسرده ما را به طلوع آن نیر اعظم خوشحال و خرسند فرما.

آقایان بنشینید، احدی حق حرکت ندارد، بی تربیتی است، بعد از یک ساعت و نیم سخن، الان موقع بهره‌برداری است،

ما را به نماز جماعت و امامت صاحب الزمان7 سعادتمند فرما.

دل‌های این جمع را از محبت و ولایت امام زمان7 مملو و سرشار بفرما.

دل مبارک امام زمان7 را از ما بدهای عاصی و طاغی خرسند فرما.

سایه عز و جلالش را بر سر ما و همه مسلمانان مستدام بدار.

تمام ملل اسلامی، در شرق و غرب و آفریقا و پنج قطر دنیا، هر مسلمانی در هر نقطه روی زمین است، خاصه شیعیان، در پناه امام زمان7 عزیر و محترم و در امن و در امان بدار.

آن‌ها که به ملل اسلامی و کشورهای اسلامی، سوء نظر دارند، به حق صاحب الزمان7 همه این‌ها را ذلیل فرما.

مسلمانان، خاصه شیعیان را عزیز بدار.

روحانیت شیعه را به حق صاحب الزمان7 معظم و محترم‌تر از این‌چه که هست، بدار.

سایه بلند پایه روحانیین ما، در هر نقطه‌ای که هستند، آیات عظام نجف، آیات عظام قم، آیات عظام اصفهان، خراسان، سایر بلاد، به حق صاحب الزمان7 سایه امام زمان7 را بر سر آن‌ها و سایه آن‌ها را بر سر ما مستدام بدار.

خطبا و گویندگان دینی ما را در پناه امام زمان7 از هر گزندی، از هر خطا و اشتباه در گفتار حفظ بفرما.

نوکران امام حسین7 به عظمت و بزرگر آقای آن‌ها سیدالشهداء7 بزرگـتر از آن‌چه که هستند، بدار.

خیر و برکت را به بازار و کسب و کار کسبه و تجار روز افزون بفرما.

در هر بازاری که اسم امام حسین7 برده می‌شود و به نام او مجلس عزا برپا می‌شود، خیر و برکت زمینی و آسمانی، از در و دیوار به اهل آن بازار عطا بفرما.

کیل و ظرف ما را به برکات سیدالشهداء7 پر خیر و روز افزون بفرما.

بیماران ما را شفای عاجل و کامل مرحمت بفرما.

بیمارهای فقیر، بیمارهای دیگر، که کنج بیمارستان‌ها افتاده‌اند، و به خانه‌ها افتاده‌اند، شفا عنایت بفرما.